

# مصر: اعتصابات کارگران محرک قیام بود

مصاحبه دو روز قبل از سرنگونی رژیم مبارک

سه‌شنبه ۳ اسفند ۱۳۸۹ - ۲۲ فوریه ۲۰۱۱

joel Beinin, my Goodman

برگردان ناهید جعفرپور

ده سال است که اتحادیه های کارگری مصر خود را سازماندهی می کنند در باره جوئل باینین: وی پروفیسور تاریخ خاورمیانه در دانشگاه استانفورد و رئیس اسبق تحقیقات خاورمیانه در دانشگاه آمریکائی قاهره می باشد. از وی کتاب های بیشماری منتشر گشته است.

آمی گودمن: آقای پروفیسور لطفاً بما بگوئید که آکسیون های کارگران در مصر چه مفهومی دارند - در حالی که ما در اینجا با هم صحبت می کنیم بزرگترین آکسیون های کارگری مصر در حال اجرا می باشند. پاسخ: این یک مسئله بسیار بزرگ است. از ده سال پیش به این روی در مصر همواره موج های اعتصابی کارگران انجام پذیرفته است که در آن در مجموع بیش از 2 میلیارد آدم شرکت داشتند ( البته در اینجا شرکت افراد در کل نسبت به تعداد اعتصاب ها حساب شده است). مجموعاً در حدود 3300 اعتصاب انجام پذیرفته است که اشکال متفاوت داشته است.

با این پیش زمینه باید به قیام انقلابی هفته های اخیر نگریست. تا کنون کارگران تنها در بعد مشخصی در اعتراضات شرکت نموده اند. البته منظور من کارگران بطور متشکل است و نه تک تک افراد کارگر. غالباً انسانها در چندین جنبش فعالیت می کنند. بله اما در روزهای گذشته دیدیم که ده ها هزار کارگر خواسته های اقتصادی خویش را با خواسته های سیاسی یعنی کناره گیری رژیم مبارک یکی کردند. بهتر بگویم فاصله و فضای خالی میان خواسته های بسیار زیاد اقتصادی ده سال گذشته با خواسته های سیاسی روشنفکری اکنون از بین رفته است و یکی شده اند و در هم ادغام گردیده اند.

سؤال: شریف عبدال قدوس در این هفته گفت که جنبش جوانان که بطور گسترده محرک اعتراضات بوده است بر روی خود نام اعتصابی معروف را گذاشته است که در 6 آپریل 2008 انجام پذیرفته است. می توانید

برای ما در باره این اعتصاب توضیحاتی دهید. در باره این اعتصاب جنبش کارگری؟ این اعتصاب در فاصله جنبش مدرن کارگری مصر از چه مفهومی برخوردار است؟

پاسخ: در باره آن واقعه گنجی های بسیاری وجود دارد. من در آن زمان در آن محل بودم. اعتصاب انجام نشد و بجای آن کارگران محله ال کبرا کارزاری را براه انداختند. کارگران کارخانه آنجا دقیقا 22000 نفر می باشند. این کارخانه بزرگترین کارخانه مصر است. خواسته های آن زمان کارگران این بود: افزایش حداقل دستمزد ها به 1200 فوندیم مصری در ماه. کارزار آنها موفقیت آمیز بود و هنوز هم امروز ادامه دارد. 6 آپریل 2008 کارگران فراخوان یک اعتصاب عمومی را دادند که در آن خواسته های خویش را بیان کنند. بعد از آن فراخوان نیروهای امنیتی کارخانه را سه روز قبل از 6 آپریل اشغال نمودند و تا 6 آپریل در دست خود داشتند و تلاش کردند با اجبار و قانع ساختن کارگران اعتصاب عمومی انجام نگیرد. بجای آن تظاهرات هائی کم و بیش ضرب العجل که در آن زنان و کودکان هم شرکت داشتند صورت گرفت. آنها در میدان اصلی محله ال کبرا بر علیه قیمت بالای مواد غذایی و از همه مهمتر قیمت نان سوبسیدی که غذای اصلی غالب مصری هاست به اعتراض پرداختند. در زمان این اعتراضات نیروهای امنیتی سنگ های بزرگ بسوی تظاهر کنندگان پرتاب نمودند - همانطور که ما از 25 ژانویه به بعد در میدان تحریر دیدیم - اما اعتصابی که بتواند کارساز باشد آن زمان در آن محل انجام نپذیرفت.

در آن زمان در مناطق دیگر کشور اینجا و آنجا اعتصاب شد. در قاهره تظاهرات هائی برگزار شد که بزرگتر از سایر تظاهرات ها بودند البته هیچگاه بیشتر از 2000 نفر به این تظاهرات ها نیامدند. با تمامی این حرفها می توان گفت که در واقع آن اعتصاب ناموفق ماند اما آن اعتصاب عمومی نیمه تمام قدمی بود در راه پیروزی ای بزرگتر. پیروزی ای که ما در این روزها دیدیم. سال 2008 اولین بار بود که کارگران سراسر کشور سازماندهی شدند و بهتر بگویم اینکه اعتراضشان کارزاری سیاسی شد. خواست افزایش حداقل دستمزد تنها یک خواست اقتصادی نیست. بلکه همچنین خواستی سیاسی است. خواست هائی از این نوع در واقع نشان دهنده مقاومت و مبارزه بر علیه پروژه ساختار جدید نئولیبرالی مصر است. این پروژه در مصر خیلی سریع توسعه یافت و دقیق تر بگویم از زمان روی کار آمدن دولتی که اکنون منحل شده است یعنی در ماه جولای 2004 بسرعت توسعه یافت.

سؤال: چه مفهومی اعتصاب هزاران کارگر دارد و کدام مفهوم کانال سوئز دارد؟

پاسخ: کانال سوئز بیشک مهمترین تاسیسات استراتژیک مصر است.

بریتانیائی ها در سال 1882 مصر را اشغال نمودند تا کانال سوئز را برای خود امن سازند. تاریخ حملات غربی ها به مصر که تمامی آنها موضوع بر سر کانال سوئز بود به خیلی زمان های عقب بر می گردد. از کارگران کانال سوئز و از همه مهمتر از شهر بزرگ سوئز همه بر علیه رژیم مبارک مبارزه نمودند. در 25 ژانویه در سوئز دو کشته وجود داشت. تظاهرات های آنجا بسیار ملیتانت بودند. مردم در آنجا مرکز حزب مبارک را و همچنین ایستگاه پلیس را اشغال نمودند.

این واقعیت که کارگران کانال سوئز هم در خیزش اخیر شرکت نمودند معنی اش این است که مهمترین نهاد اقتصادی مصر فلج شده است و این برای ثبات اقتصاد مصر ضربه ای بزرگ است. البته این تنها کارگران کانال سوئز نیستند بلکه فلزکاران سوئز که روی کانال سوئز کار می کنند و همچنین کارگران نساجی سوئز و اطراف ( در آنجا یک محدوده آزاد صنعتی است) همه در خیزش عمومی شرکت داشتند.

سؤال: شما یکبار گفتید که جنبش کارگری مصر مهمترین جنبش اجتماعی سال گذشته در جهان مدرن عربی است. این خیلی عجیب است زیرا که در مصر اتحادیه های کارگری در اساس از سوی دولت مصر کنترل می شوند. این مدل در واقع به نحوی شبیه مدل مکزیکی است. لطفا برای ما در باره مناسبات میان اتحادیه های کارگری سازمان یافته رسمی و جنبش های کارگری مستقل که وجود دارند توضیحاتی بدهید. کدام دینامیکی میان این دو وجود دارد و این دینامیک چگونه خود را توسعه می دهد؟ پاسخ: اتحادیه کارگری بزرگ مصر " اجیپتن تراد اونیون فدراسیون" در سال 1957 در زمان رژیم عبدال ناصر تاسیس گشت. از آنزمان در واقع این اتحادیه بخشی دولتی بوده است و در مبارزات کارگری ده سال گذشته به هیچ وجه سهم نبوده است. در اساس هم غالباً بر علیه این مبارزات حرکت کرده است. اگر که در این ده سال اعتصاب یا شکل دیگری از اعتراض جمعی هم شد کارگران یا یک کمیته اعتصاب انتخاب نمودند ( درست بمانند آنزمان در محله ال کبرا و یا مرکز بزرگ نساجی دلتا) و یا بین اتحادیه های محلی انشعاب شد به این صورت که تک تک کارگران اتحادیه از مبارزه کارگران اعتصابی پشتیبانی نمودند. برخی از کارگران اتحادیه به اتحادیه رسمی و ساختارهایش مومن باقی ماندند و برخی دیگر از اعضای اتحادیه در پشتیبانی از مبارزات کارگران خود نقشی رهبری کننده پیدا نمودند. در هر حال در ده سال گذشته هیچ اعتصاب یا اعتراضی جمعی وجود ندارد که این اتحادیه رسمی و ساختارهایش براه انداخته باشند.

این مسئله باعث شد که در آن جا هایی که کارگران در موضع خاص قدرتمندی بودند اتحادیه های مستقل ایجاد نمایند و این خود برای اولین بار در تاریخ مصر بعد از سرنگونی رژیم پادشاهی در سال

1952 بود که اتحادیه های مستقل بنیان می شدند. بزرگترین و مهمترین اتحادیه مستقل مصر اتحادیه کارمندان وزارت دارائی است. آنها 11 روز تمام در برابر وزارت دارائی تحصن نمودند و با مبارزه خود توانستند خواست افزایش دستمزدی تا 325% را بدست آورند. بعد از آن اتحادیه مستقل خویش را تاسیس کردند که در حدود 35000 کارمند و کارگر در آن عضو می باشند. امروز همه اعضای این اتحادیه کارمندان دولت هستند. بله در مصر مردم به همین نحوه در اتحادیه های متفاوت خود را سازماندهی می نمایند. در همین زمان اخیر یعنی در سال 2010 دستیاران تکنیک پزشکی یک اتحادیه مستقل تاسیس نمودند. در تاریخ 30 ژانویه امسال چند روز قبل از تظاهرات ها این دو اتحادیه بزرگ مستقل با نمایندگان 12 مرکز صنعتی مهم مصر ( محله، دلتا، هلوآن، و سایر مناطق صنعتی) ملاقات نمودند و در مصاحبه مطبوعاتی بعد از نشست خود تاسیس سازمان مادر اتحادیه های کارگری مستقل را اعلام کردند.

من در آن زمان اعلام نمودم که این مسئله از دید من عملی انقلابی است. بالاخره این کار در آنزمان کاری غیر قانونی بود. قوانین مصر خواهان این است که هر اتحادیه جدیدی به اتحادیه کارگری مصر که دولتی است و به بخش خاص اتحادیه ملی بپیوندد. مثلا اگر شما کارگر فلزکار باشید باید به اتحادیه ملی کارگران فلزکار بپیوندید. همانطور که گفتم زیر چتر اتحادیه های دولتی مصر. زمانی که من آنزمان نظرم را نوشتم واقعا خوشبین بودم. فکر می کردم این کار انقلابی است زیرا که موضوع بر سر عملی غیر قانونی است که خواست استقلال کارگران را تقویت می کند خواستی که باعث می شود تا از رژیم مبارک گذر کنند. من در آن زمان هرگز انتظار نداشتم که این اتفاقات بیافتد. بنابراین برای من کاملا روشن است و بشیوه ای مستقیم این یک قیام انقلابی است.